

## فرآیند شکل‌گیری ساختار نیروهای ایرانی و فراملیتی شاغل در شرکت نفت انگلیس و ایران در مناطق نفت‌خیز خوزستان (از پیدایش نفت تا نهضت ملی شدن صنعت نفت: ۱۲۸۷- ۱۳۳۰ش/۱۹۰۸-۱۹۵۱م)

رضا حبیبی نژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

با واگذاری امتیازنامه نفت به ویلیام ناکس دارسی در سال ۱۲۸۰ش/۱۹۰۱م، و در پی آن، کشف نفت در میدان نفتون مسجدسلیمان در خردادماه ۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م و تأسیس پالایشگاه آبادان در سال ۱۲۹۱ش/۱۹۱۲م، هسته‌های اولیه نیروی انسانی شاغل در حوزه‌های نفتی مناطق نفت‌خیز خوزستان شکل گرفت. از آن پس، نیروهای انسانی از خارج و داخل ایران به منظور اشتغال در تأسیسات نفتی، به مناطق نفت‌خیز خوزستان مهاجرت نمودند.

پژوهش پیش رو، با تلفیق روش توصیفی - تحلیلی و روش آماری (کلیومتری) و با استفاده از اسناد، منابع دست‌اول تاریخی و تحقیقات جدید، در پی پاسخی برای این سؤال است که نیروهای انسانی شاغل در صنعت نفت ایران از ابتدا تا ملی شدن این صنعت در سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م، بر اساس چه معیارهایی استخدام و سازمان‌دهی می‌شدند؟

---

۱. دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام و مدرس دانشگاه پیام نور ماهشهر: Hibibinejad@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۹

یافته‌های پژوهش، حاکی است که نیروهای شاغل در صنعت نفت ایران در مناطق نفت‌خیز خوزستان را می‌توان در دو دسته نیروهای ایرانی (کارگران - کارمندان) و نیروهای خارجی، مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.

### واژگان کلیدی

نیروهای ایرانی و فراملیتی، کارگران، کارمندان، شرکت نفت انگلیس و ایران، مناطق نفت‌خیز خوزستان.

### مقدمه

با اعطای امتیازنامه نفت به ویلیام ناکس داریسی<sup>۱</sup> در سال ۱۲۸۰ش/۱۹۰۱م، عملیات جست‌وجو و اکتشاف به منظور کشف نفت در چیاسرخ کرمانشاه آغاز گردید. پس از ناکامی گروه حفاران در چیاسرخ، ترجیح داده شد منطقه عملیات نفتی از کرمانشاه به جنوب غربی ایران، یعنی سرزمین بختیاری منتقل شود. موقعیت جغرافیایی منطقه بختیاری به گونه‌ای بود که یافتن نیروی کار را برای گروه اکتشافی بسیار سخت کرده بود. بدین منظور، رینولدز<sup>۲</sup>، رئیس گروه حفاران، برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در معادن نفت دست یاری به سوی خوانین بختیاری دراز کرد. خوانین نیز بنا به شرایطی، حاضر به همکاری با او و گروه حفاران شدند. از این رو، خوانین بختیاری، تأمین نیروی انسانی و حفاظتی در مناطق نفت‌خیز را تضمین نمودند و بدین صورت، هسته‌های اولیه نیروی کار در مناطق نفت‌خیز خوزستان از میان نیروهای زارع و دامدار روستایی و عشایری تشکیل گردید. با توسعه دامنه فعالیت‌های اقتصادی در مناطق نفت‌خیز و نیز تأسیس پالایشگاه عظیم آبادان، نیاز به نیروی کار ماهر و غیرماهر جهت کار در معادن و تأسیسات نفت، به طور فزاینده‌ای افزایش یافت. بدین ترتیب، با استخدام نیروی کار، به تدریج تعداد نیروهای انسانی این مناطق فزونی گرفت و زمینه برای شکل‌گیری طبقه کارگر در صنعت نفت ایران فراهم گردید؛ طبقه‌ای که در بسیاری از عرصه‌های سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات سیاسی کشور ایفا نمود. از مهم‌ترین عرصه‌های حضور این طبقه در تحولات تاریخ ایران، مشارکت و همگام شدن با

۱. William Knox Darcy.

۲. Reynolds.

رهبران نهضت ملی شدن صنعت نفت بود. علاوه بر نیروی کارگر، تعدادی کارمند ایرانی نیز در صنعت نفت اشتغال داشتند که نسبت به کارگران، حدود یک‌نهم بودند. در کنار نیروهای ایرانی، تعدادی از کارکنان انگلیسی، هندی، پاکستانی و متفرقه در صنعت نفت ایران اشتغال داشتند. بخش عظیمی از این نیروها، در واقع، نیروهای ماهر و متخصص شرکت نفت به شمار می‌رفتند. این افراد در سلسله‌مراتب کارکنان شرکت نفت در طبقات فوقانی قرار داشتند و شامل مدیریت رده بالایی بودند.

بر این اساس، در پژوهش پیش رو کوشش شده است روند تأمین نیروی انسانی جهت خدمت در تأسیسات نفت خیز خوزستان تحلیل و ارزیابی شود. پرسش اصلی، این است که نیروهای انسانی شاغل در صنعت نفت ایران از ابتدا تا زمان ملی‌شدن این صنعت، بر اساس چه معیارهایی و چگونه سازمان‌دهی می‌شدند؟ با مطالعه اسناد، منابع تاریخی و تحقیقات جدید، این فرضیه مطرح شد که بخش مهمی از نیروی انسانی صنعت نفت ایران، از میان زارعان و عشایر بودند و آنها با مشارکت خوانین بختیاری و شیخ خزعل، به عنوان کارگر استخدام می‌شدند. این نیرو، عظیم‌ترین نیروی شرکت نفت و در پایین‌ترین رده ساختار نیروی این شرکت سازمان‌دهی شده بودند. برای تأمین نیروی ماهر صنعتی نیز از افراد خارجی استفاده می‌شد و آنها جایگاه مهم‌تری نسبت به نیروهای ایرانی شاغل در صنعت نفت داشتند.

در این نوشتار، به بررسی و تبیین جایگاه نیروهای شاغل در حوزه‌های نفتی مناطق نفت‌خیز خوزستان در دوره مورد بحث پرداخته خواهد شد.

### **مبحث اول: کارگران ایرانی (ایلی - روستایی) شاغل در صنعت نفت ایران در مناطق نفت‌خیز خوزستان**

بر اساس ماده ۱۲ امتیازنامه، شرکت نفت ملزم بود نیروی کار غیرماهر خود را از میان ایرانیان برگزیند. بر اساس صلاحدید مدیران شرکت نفت، تأمین نیروی کار از میان رعایای بختیاری در اولویت قرار گرفت. از دلایل اصلی این انتخاب، آن بود که چاه‌های نفت در اراضی بختیاری قرار داشت و تا زمانی که رضایت بختیاری‌ها جلب نمی‌شد، اکتشاف و استخراج نفت عملاً غیرممکن بود. علاوه بر این، بختیاری‌ها امنیت خطوط لوله‌های نفت را تضمین کرده بودند. از دلایل دیگر برای استخدام بختیاری‌ها در شرکت نفت، فیزیک

بدنی مناسب و تحمل شرایط سخت از سوی آنان بود. بختیاری‌ها می‌توانستند کارهای سخت شرکت، از جمله کار تجهیزات و ماشین‌آلات را بر عهده گیرند. در منطقه عملیات شرکت، شیوه زندگی کوچ‌نشینی و سنتی برقرار بود. بنابراین، یافتن نیروی کار جوان و تشویق آنان به ترک شیوه‌های سنتی زندگی و روی آوردن به کار صنعتی، با اسلوب‌های کاملاً متفاوت کاری و نظم کاری، دشوار بود. در ابتدای عملیات اکتشافی گروه حفاران به سرپرستی رینولدز، آنان برای استخدام نیروی مورد نیاز، متوجه روستاییان شدند که گزینه مناسب‌تری بودند؛ زیرا یکجانشین بودند و گاه حاضر به همکاری با گروه حفاران در ماماتین و حوزه نفت مسجدسلیمان می‌شدند (اتابکی، ۱۳۹۱: ۱۰۷؛ معتقدی، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

جلب اعتماد عشایر محلی برای تغییر شیوه زندگی کوچ‌روی و ورود به کار صنعتی، سخت بود. به همین جهت، سران شرکت به جذب روستاییان پرداختند. در ابتدا، استخدام نیروی کار هم از میان کوچ‌نشینان بختیاری و هم یکجانشینان زارع، جنبه فصلی داشت و معمولاً بیش از شش ماه به طول نمی‌انجامید. برای شرکت نفت که عملیاتش جنبه فصلی نداشت، مسئله اصلی آن بود که چگونه نیروی کار استخدام‌شده را با لحاظ نمودن محدودیت‌های فصلی حفظ کند. شرکت نفت برای نگه داشتن نیروهای فصلی، از چند راهکار موازی سود بُرد؛ از جمله این راهکارها، افزایش دستمزد و فراهم کردن امکانات رفاهی و نیز پرداخت‌های دوهفتگی دستمزد به جای پرداخت روزانه بود. در روزهای نخست هم به جای قران، دستمزد را به روپیه هندی پرداخت می‌کردند. از سوی متولیان شرکت، برای حفظ کارگران در محل کار، تأسیسات مدرنی چون فروشگاه و بازار محلی برای تأمین نیازمندی‌های کارگران، خدمات رایگان بهداشتی و خوابگاه‌های مشترک کارگران جهت اقامت رایگان ایجاد گردید (اتابکی، ۱۳۹۱: ۱۱۵-۱۱۸).

مطابق قراردادی که شرکت نفت با خوانین بختیاری در سال ۱۲۸۴ ش/۱۹۰۵ م منعقد کرده بود، خوانین متعهد شده بودند تعدادی محافظ برای نگهبانی از تأسیسات نفتی در اختیار شرکت نفت قرار دهند. خوانین علاوه بر اعزام تفنگچی، تعدادی از افراد ایل را نیز برای کار به آن شرکت می‌فرستادند. در ازای این خدمت، کارگران موظف بودند مبلغی از حقوق و دستمزد خود را توسط کدخدایان به خوانین تقدیم کنند (ویلسن، ۱۳۶۳: ۶۳). به هر روی، با استخدام نیروی کارگری، تغییرات ساختاری در مناطق نفتی و ایل بختیاری به وجود آمد. دزدان و عمله‌های ایل بختیاری، به کارگر تبدیل می‌شدند. آنان به عنوان کارگران

اصلی و غیرمتخصص صنعت نفت استخدام می‌شدند. نکته مهم اینجاست که با استخدام این افراد و قرار گرفتن آنها در ساختار کارگری شرکت، بخش مهمی از ناامنی در حوزه‌های نفتی از بین می‌رفت و کسانی که خود عامل ایجاد ناامنی در مناطق نفتی بودند، به نیروی کار شرکت و عامل امنیت مبدل شدند.

علاوه بر کارگران ایلی، تعدادی از کارگران نیز از همان ابتدا، فارغ از سایه ارباب، به عنوان کارگران مزدبگیر، در شرکت نفت استخدام شدند. مردم مناطق دیگری از خوزستان، از جمله زارعان و باغداران شهرهای خوزستان، مزارع و باغ‌های خود را رها کرده و جهت کار به حوزه‌های نفتی و آبادان مهاجرت نمودند. بخش دیگری از کارگران غیرمتخصص صنعت نفت را روستاییان بی‌زمین اطراف اصفهان تشکیل می‌دادند. بنا بر شواهد موجود، بیش از ۱۵۰۰ نفر کارگر نفت، از منطقه اصفهان بودند (عیسوی، ۱۳۸۸: ۷۲-۷۳). بدین ترتیب، هسته اولیه نیروی کار ایرانی در مناطق نفت‌خیز خوزستان، از کشاورزان و عشایر تشکیل شد که به دلایل متعدد، سکونتگاه‌های خود را رها کردند و با مهاجرت به مناطق نفت‌خیز، به عنوان کارگر جذب شرکت نفت شدند. متولیان شرکت نفت، این نیروی کار را در ساختار صنعتی شرکت تطبیق دادند و منظم ساختند.

بدین ترتیب، طبقه کارگران نفتی در ایران به ظهور رسید. آبراهامیان<sup>۱</sup> با اشاره به اینکه نخستین نسل کارگران صنعتی از مناطق روستایی آمده بودند، می‌افزاید در پایان سلطنت رضاشاه، تعداد کارگران صنعت نفت و دیگر کارگران کارخانه‌های ایران، به بیش از ۱۷۰,۰۰۰ نفر رسید. این رقم، به معنای پیدایش یک طبقه کارگر جدید بود (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۱۸۲-۱۸۳). شرکت نفت با استخدام عمده، روستاییان، باغداران و مهاجران و تبدیل وضعیت آنها به کارگر، جامعه آبادان را به جامعه‌ای کارگری مبدل نمود و برای آنها ساختار و شیوه معیشت تازه‌ای پدید آورد.

### شکل‌گیری نخستین هسته‌ها و ساختار اداری شرکت نفت

همچنان‌که پیش از این اشاره شد، استخدام و به‌کارگیری نیروی کار در شرکت نفت، در مراحل اولیه عملیات در حوزه‌های نفتی، از طریق مذاکره نمایندگان داری با خوانین بختیاری انجام گرفت. افزون بر آن، مدیران شرکت نفت تلاش کردند تا شیخ خزعل را نیز

۱. Abrahamian.

همچون خوانین بختیاری، بر اساس توافق نامه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹م/ ۲۷ جمادی‌الأول ۱۳۲۷ق، جهت تأمین محافظ و کارگران محلی برای کار در تأسیسات و چاه‌های نفت موظف کنند. شرکت نفت، حقوق این مستخدمان را پرداخت می‌کرد (استرانک، ۱۳۸۷: ۱۵۶). با توسعه فعالیت‌های شرکت نفت، اداره‌ای موسوم به اداره کار جدید (اداره کارگران)، در محوطه پالایشگاه آبادان تأسیس شد. این اداره، ابتدا با یک نفر آغاز به کار کرد که فقط کار استخدام را انجام می‌داد؛ ولی پس از مدتی، این اداره توسعه یافت. هر کارگری که به آن اداره مراجعه می‌کرد، اداره مزبور او را به یکی از بخش‌های شرکت از قبیل چاه‌کنی یا کارگاه‌های فنی پالایشگاه و غیره می‌فرستاد و اگر رئیس بخش مربوطه مایل به استخدام او بود، شرکت او را استخدام می‌کرد و ترفیع و تمام مقدرات کارگر مزبور به دست همان رئیس بخش بود.

شرکت همچنین، با دایر کردن اداره «انگشت‌نگاری»، مانع استخدام کارگران اخراجی می‌شد که قصد داشتند با نام و نشان دیگری به استخدام شرکت درآیند. علاوه بر این، گسترش فزاینده فعالیت‌های شرکت نفت، به‌ویژه بعد از احداث پالایشگاه آبادان، شرکت را وارد فعالیت‌های جدیدی خارج از محدوده نفت نمود. از جمله این فعالیت‌ها، بازرگانی، مالکیت کشتی و نفت‌کش و انواع معاملات کالاها بودند (افشین، ۱۳۳۳: ۱۲۰ - ۱۲۲؛ اتابکی، ۱۳۹۱: ۱۱۶). پایان دادن به کار فصلی و تبدیل آن به یک کار دائم، از جمله وظایف مهمی بود که برعهده اداره کار جدید قرار گرفت. کارگران پس از استخدام می‌بایست در چارچوب قوانین و ضوابط شرکت نفت عمل می‌نمودند و بدین گونه، به‌تدریج طی فرایندی، نظم‌پذیری را فرا می‌گرفتند.

در شرکت نفت انگلیس و ایران، سلسله‌مراتب اداری حاکم بود. این سلسله‌مراتب در طبقه کارگر از پایین به بالا شامل: کولی<sup>۱</sup> (کارگران معمولی: غیرماهر)، تندیل<sup>۲</sup> (استادکار: کارگر نیمه‌ماهر) و فورمن<sup>۳</sup> (سراستادکار: کارگر ماهر) می‌شد. به این طبقه، اصطلاحاً در شرکت نفت «طبقه سوم» گفته می‌شد که در واقع، این طبقه از نظر جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، به «کارگران یقه‌آبی» معروف‌اند (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۱۴ - ۵۱۵). کارگران ایرانی همواره در تلاش برای ارتقای خود بودند. آنان با شرکت در کارگاه‌ها پس از کسب مهارت لازم، در

۱. Cooli.

۲. Tendail.

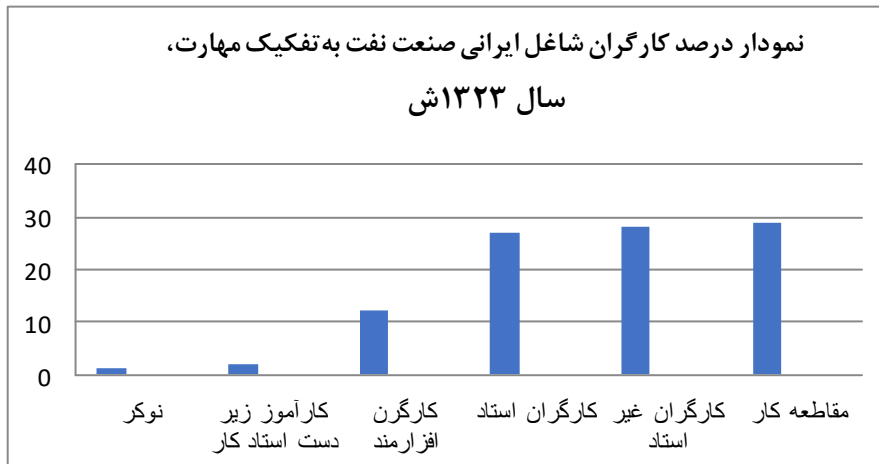
۳. Forman.

بخش‌های فنی شرکت نفت به عنوان کارگر ماهر مشغول به کار می‌شدند. برخی با گواهینامه پایان تحصیلات ابتدایی، به این آموزشگاه‌ها راه یافتند و پس از پنج سال، کارگر فنی ماهر می‌شدند و به درجه سراسرکارگری ارتقا یافتند. در واقع، کارگران فنی و ماهر، تربیت‌شده خود شرکت نفت به شمار می‌رفتند (روحانی، ۱۳۵۳: ۵۱۱؛ آپتون، ۱۳۶۱: ۱۳۹)؛ به طور نمونه، تعداد کارگران ماهر ایرانی شرکت نفت در یک دوره ۱۶ ساله، نزدیک به ۹۰ درصد افزایش یافت و از ۱۷۵۹ نفر در سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م، به بیش از ۱۷۳۸۰ نفر در سال ۱۳۲۹ش/۱۹۵۰م رسیدند.

### آمار نیروهای کارگر ایرانی شاغل در شرکت نفت انگلیس و ایران

مطابق آمار سال ۱۲۸۹ش/۱۹۱۰م، تعداد کارکنان شرکت نفت، دو هزار نفر گزارش شده است که به دلیل فقدان گزارش تفکیکی، معلوم نیست چه تعدادی از این نیروها ایرانی هستند. نخستین آمار رسمی و تفکیکی از نیروهای شاغل در شرکت نفت، به سال ۱۲۹۸ش/۱۹۱۹م مربوط می‌باشد. در گزارشی، تعداد کارگران ایرانی میادین نفتی و پالایشگاه آبادان در سال ۱۲۹۸ش/۱۹۱۹م، ۱۸۸۴ نفر و در گزارشی دیگر، ۳۹۷۹ نفر بیان شده است که تعداد کمی از این افراد کارمند بودند. با کشف میادین جدید نفتی و توسعه پالایشگاه آبادان و کار لوله‌گذاری از میادین نفتی تا آبادان، شرکت نفت به کارگران بیشتری نیاز پیدا کرد؛ به طوری که با کشف میدان نفتی هفتکل در سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م، تعداد کارکنان ایرانی ۱۶۳۸۲ نفر گزارش شده است. در سال ۱۳۰۸ش/۱۹۲۹م، این تعداد نیرو به ۲۰۰۹۵ نفر رسید. کارکنان شرکت نفت در سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، ۲۰۰۷۲۵ نفر برآورد شده است. از این تعداد، ۱۶،۹۹۹ نفر کارگر ایرانی بوده‌اند. بدین ترتیب، ایرانیان در سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، ۸۲ درصد کارگران شرکت نفت را تشکیل می‌دادند (وزیری، ۱۳۸۰: ۲۳۲). در سال ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م و در بحبویه جنگ جهانی دوم، ترس از حمله آلمان به خوزستان، شرکت را مجبور کرد که در این سال، تشکیلات خود را محدود کند و شروع به کاهش نیروهای خود نماید. از این رو، در سال ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م تعداد کارکنان شاغل در شرکت نفت، ۲۸،۷۱۳ نفر گزارش شده است که از این تعداد، ۲۶،۴۸۴ نفر آن ایرانی بودند. در همین سال، تعداد کارگران شرکت نفت را در آبادان، ۳۰،۰۰۰ نفر گزارش کرده‌اند که بیشتر آنها بومی بوده‌اند. با حمله متفقین در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م به ایران و احتیاج آنها به نفت، شرکت بر توسعه فعالیت‌های خود در ایران افزود؛ به طوری که در این سال، از مجموع ۲۹۹۶۷ نفر نیروی انسانی شاغل در شرکت نفت، ۲۸۰۳۵ نفر آن ایرانی بودند (آوری،

۱۳۸۸: ۲۵۷). در واقع، صنعت نفت ۴۰ درصد نیروی کار را در استخدام داشت. در سرشماری بهمن ماه سال ۱۳۲۱ ش/۱۹۴۲ م، ۳۹۰۰۰ مرد بالغ در آبادان ساکن بودند که از این تعداد، بیش از ۳۰۰۰۰ نفر آنان، از کارکنان شرکت نفت بودند و بقیه جمعیت، یعنی ۶۰۰۰۰ تن، بستگان آنان و تعدادی نیز کسانی بودند مانند مغازه دار که درآمد خود را غیرمستقیم از شرکت نفت به دست می آوردند (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۲۰۸). با کشف میادین جدید نفتی در گچساران، نفت سفید و آغاچاری، شرکت نفت نیاز بیشتری به نیروی کار پیدا کرد. مطابق آمارهای که شرکت نفت ماهیانه به وزارت دارایی ارائه می کرده، در صفحه دوم آن، تعداد کارکنان ایرانی شرکت نفت در سال ۱۳۲۳ ش/۱۹۴۴ م، ۴۷۱۰۰ نفر گزارش شده است که از این تعداد، ۴۵۰۵۸ نفر کارگر و ۲۰۴۲ نفر کارمند بوده اند؛ به عبارت دیگر، ۹۵/۶۶ درصد کارگر و ۴/۳۴ درصد کارمند بودند. کارگران افزارمند ۵۵۳۶ نفر، یعنی ۱۲/۲۸ درصد؛ کارگرانی که کارشان نیاز به استادی داشت، ۱۲۳۳۱ نفر یا به عبارت دیگر ۲۷/۳۶ درصد؛ کارآموزانی که کارشان نیاز به استادی داشت، ۸۳۵ نفر یا ۱/۸۵ درصد؛ کارگرانی که کارشان نیاز به استادی نداشت، ۱۲۶۶۷ نفر برابر با ۲۸/۱۱ درصد؛ نوکر ۵۶۹ نفر یا ۱/۲۶ درصد و مقطعه کار ۱۳۱۲۰ نفر برابر با ۲۹/۱۱ درصد گزارش شده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۱۶۳). آمار فوق، رشد رو به افزایش کارگران ایرانی در صنعت نفت را نشان می دهد.



مأخذ: نگارنده



در سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۶م، شرکت نفت شروع به تدوین برنامه‌های آموزشی جهت تربیت کارکنان ایرانی نمود. در همین راستا، به تقلیل مستخدمان خارجی و استخدام نیروهای ایرانی پرداخت (اخبار هفته، ۱۳۲۷، شماره ۸۱: ۱۰) در اواخر اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۶ش/۱۹۴۷م، موضوع جایگزینی نیروهای ایرانی به جای انگلیسی، یک بار دیگر مطرح شد و این بار با دریافت تقاضای رسمی وزارت اقتصاد ایران از شرکت نفت انگلیس و ایران، مبنی بر جذب نیروهای ایرانی به جای کارکنان انگلیسی مقارن بود؛ به طوری که به هنگام ملی شدن صنعت نفت، تعداد کارگران ایرانی ۷۵ هزار نفر گزارش شده است که این رقم، بخش قابل توجهی از نیروی صنعتی کشور را شامل می‌شد (افشین، ۱۳۳۳: ۱۲۰).

### رفتار شرکت نفت انگلیس و ایران با کارگران ایرانی

رفتار شرکت نفت انگلیس و ایران با کارگران ایرانی، مطابق با هیچ‌یک از قوانین استخدام نبود. نمونه آن، رفتار شرکت در سال ۱۳۱۷ش با تعدادی از کارگران مهاجری بود که از بندر عباس به آبادان آورده بودند. ۱۷۷ نفر از آنان پس از مشاهده وضعیت موجود، از شرکت نفت شکایت کردند. موضوع شکایت آنها، شرایط ناگوار زندگی در مناطق نفتی و تعدیات شرکت، به خصوص برای غیربومیان را آشکار می‌سازد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۴۴۲۹). این‌گونه مشکلات، در خلاصه گزارش هیئت اعزامی به خوزستان که در خردادماه ۱۳۲۵ش مأمور حل اختلاف بین کارگران و شرکت نفت بودند نیز به چشم می‌خورد (نراقی، ۱۳۳۷: ۲۵ - ۲۶؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۳۰/۸۰۲۸). از دیگر رفتارهای بد شرکت با کارگران ایرانی، انتقال «اداره مرکزی جنرال آفیس» از آبادان به خرمشهر بود. این اداره که از روز اول تأسیس شرکت نفت در آبادان قرار داشت، در پایان دهه ۱۳۲۰ش/۱۹۴۰م به خرمشهر انتقال یافت تا خود را از مراجعات کارمندان و به خصوص کارگران ایرانی که به منظور تهیه مسکن به این اداره مراجعه می‌کردند، دور نگه دارد (رائین، ۱۳۵۸: ۳۵).

در زمینه پرداخت حقوق و دستمزد، حقوقی که شرکت نفت به کارگران خود پرداخت می‌کرد، بسیار ناچیز بود و کفاف زندگی آنان را نمی‌داد. شرکت نفت، کارگران، خدمتکاران و

نگهبانان و دیگر کارکنان زیردست را از افراد محلی استخدام می‌کرد. حقوق و شرایط کاری آنها به هیچ روی با حقوق و مزایای کارکنان وارداتی نفت قابل مقایسه نبود. ایرانیان می‌دیدند که شرکت کارهای پُردرآمد را منحصراً به نیروهای خارجی واگذار می‌کند؛ به دنبال این وضعیت، نخستین اعتصاب کارگری در سال ۱۳۹۹ ش/۱۹۲۰ م در مناطق نفت‌خیز، به‌ویژه آبادان، رقم خورد و پس از آن، دستمزدها و شرایط کار، تا حدودی بهبود یافت (کیبل، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۷). با وجود این، در سال ۱۳۰۶ ش/۱۹۲۷ م وضعیت اقتصادی کارگران ایرانی شرکت نفت به دلیل پایین بودن دستمزدها، بسیار نابسامان گزارش شده است. در این سال، حداقل حقوق کارگران، ماهی ۶ تومان، و حداکثر ۹ تومان بود. حقوق بهترین متخصص ایرانی، از ماهی ۴۵ تومان فراتر نمی‌رفت. بر اثر بحران اقتصادی بین‌المللی سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۱۱ ش/۱۹۲۹-۱۹۳۲ م، وضع زندگی کارگران ایرانی باز هم بدتر شد.

افزایش ساعت کار روزانه، بدتر شدن شرایط کار، کاهش دستمزدها، افزایش بیکاری و فقر، سیستم جریمه کار و دیگر موارد، موجب افزایش نارضایتی کارگران گردید. با افزایش نارضایتی، کارگران شرکت نفت در سال ۱۳۰۸ ش/۱۹۲۹ م، دست به اعتصاب زدند (ایوانف، ۱۳۵۶: ۸۱؛ گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۵۲۱). این وضعیت، در جنگ دوم جهانی نیز ادامه یافت و کارگران شرکت نفت از میزان حقوقی که دریافت می‌کردند، نراضی بودند. بر همین اساس، شرکت نفت در بحبویه جنگ در سال ۱۳۲۱ ش/۱۹۴۲ م، به منظور کمک به حقوق کارگران، طرح جیره‌بندی و تأمین آذوقه کارکنان خود را به اجرا گذاشت (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۸۱۵۳/۲۴۰؛ نراقی، ۱۳۳۷: ۱۶).

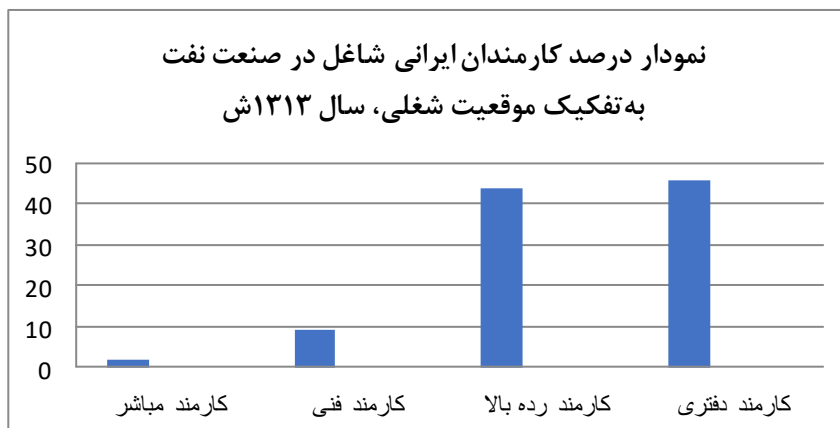
کارگران ایرانی همچنین، از تفاوت حقوق و دستمزدها میان کارکنان ایرانی و کارمندان انگلیسی نیز گله‌مند بودند. حقوق و شرایط کاری کارکنان ایرانی شرکت، در مقایسه با کارکنان انگلیسی و حتی هندی نیز بسیار پایین و نامناسب بود؛ برای نمونه، شرکت نفت به کارگران ایرانی روزانه حداکثر ۳۰ ریال و به کارگران هندی ۷۰ ریال پرداخت می‌کرد که تفاوتی بیش از ۵۷ درصد در پرداخت‌ها را نسبت به کارگران ایرانی و هندی نشان می‌دهد. (کامبخش، ۱۳۵۸: ۱۷۸؛ لاجوردی، ۱۳۶۹: ۲۰۸). روی هم رفته، سطح کلی دستمزدها در شرکت نفت خیلی پایین بود. شرکت در موافقی، از پرداخت همین حقوق ناچیز نیز به کارگران خودداری می‌کرد. این رفتار شرکت، شکایت کارگران و مراجعه آنها به مراجع قانونی را در پی داشت (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۵۸۷۹/۲۹۳؛ گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۵۲۱).

## مبحث دوم: کارمندان ایرانی شاغل در شرکت نفت انگلیس و ایران در مناطق نفت‌خیز خوزستان

در سال‌های اولیه فعالیت‌های شرکت نفت در مناطق نفت‌خیز خوزستان، به طور مشخص، کارمند ایرانی وجود نداشت. به تدریج و با توسعه تشکیلات اداری، شرکت نفت اقدام به استخدام تعدادی از افراد باسواد محلی نمود که در ابتدا بیشتر آنان از افراد ایلات و عشایر نواحی نفت‌خیز بودند. در واقع، شرکت آنان را به عنوان منشی استخدام کرده بود و این افراد، چون کمی انگلیسی می‌دانستند، از آنها به عنوان مترجم در شرکت استفاده می‌شد. با کشف میادین جدید نفتی و توسعه فعالیت‌های شرکت نفت، به تدریج بر تعداد کارمندان ایرانی شرکت نفت افزود شد. شرکت برای تأمین کارمندان خود در بخش‌های اداری و دفتری، از کلیه شهرها و نقاط مختلف ایران کارمندان مورد نیاز را استخدام نمود. با این حال، از لحاظ تعداد، کارمندان شرکت نفت نسبت به کارگران، چند برابر کمتر بودند. کارمندانی که تازه استخدام می‌شدند، هرچند هیچ تخصص و تجربه‌ای در کارهای مربوط به نفت نداشتند، ولی کم‌کم توانستند قابلیت‌های خود را در بخش‌های اداری شرکت به ظهور رسانند؛ به طور نمونه، در سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م بیش از ۹۴ درصد کارگران شرکت نفت را ایرانیان تشکیل می‌دادند؛ حال آنکه تعداد کارمندان ایرانی در این سال، ۱۲ نفر بودند. با انعقاد قرارداد ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م و به موجب ماده ۱۶ این قرارداد، شرکت نفت متعهد شده بود که با موافقت دولت ایران، طرحی برای افزایش کارکنان ایرانی و کاهش نیروهای خارجی تنظیم و اجرا نماید؛ ولی شرکت در سال اول قرارداد ۸۰۰ نفر به کارکنان خارجی خود افزود؛ اما در سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م، آمار کارمندان و مدیران ایرانی نسبت به سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، ۹۸/۳۵ درصد رشد داشته است و از ۱۲ نفر به ۷۲۷ نفر رسید.

همچنین، شرکت نفت در بهمن‌ماه ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م طی نامه‌ای به وزارت دارایی و اداره امتیازات نفت و درآمد معادن گزارش داد که این شرکت از سال ۱۳۱۵ش/۱۹۳۶م تا ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م، تعدادی از ایرانیان را که دارای گواهینامه ششم دبیرستان بودند، به عنوان کارمند به استخدام شرکت نفت درآورده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۶۹۶۷/۲۴۰؛ ساتن، ۱۳۷۴: ۱۰۳). همچنین در سال ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م، تعداد ایرانیانی که توانسته بودند به مدیریت میانی شرکت نفت راه یابند، ۱۶ نفر تحصیل‌کرده انگلستان بودند. در سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴م، مطابق گزارش ماهیانه شرکت نفت به وزارت

دارایی، تعداد کارمندان ایرانی این شرکت، ۲۰۴۲ نفر بود. این تعداد کارمند نسبت به سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م، ۶۴/۴۰ درصد رشد داشته است. بنا بر این گزارش، کارمندان بالارتریه ۸۹۳ نفر برابر با ۴۳/۷۳ درصد، کارمندان دفتری ۹۲۸ نفر برابر با ۴۵/۴۴ درصد، کارمندان فنی ۱۸۸ نفر برابر با ۹/۲۰ درصد و کارمندان مباشر ۳۳ نفر برابر با ۱/۶۱ درصد از کل کارمندان ایرانی شرکت نفت بودند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۱۶۳).



مأخذ: نگارنده

در سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۶م، تعداد کارمندان شرکت نفت، اعم از اداری و فنی و غیره، حدود هشت هزار نفر بود که از این تعداد، حدود ۴۰۰۰ نفر آن، ایرانی و ۴۰۰۰ نفر دیگر، انگلیسی و هندی بودند که البته کارمندان هندی، خیلی کمتر از کارمندان انگلیسی بودند. کارمندان ایرانی شرکت، نسبت به سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م، ۴۹ درصد افزایش یافته بودند. از سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۶م تا سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م، کارمندان ایرانی شرکت نفت دو برابر شدند که رشدی ۱۰۰ درصدی را نشان می‌دهد. یکی از دلایل افزایش کارمندان طی این پنج سال، آن بود که شرکت نفت تعداد بسیاری از ایرانیان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های ایران و خارج از کشور را پس از استخدام، به جای استفاده از آنها در بخش‌های فنی و تخصصی شرکت، به کارهای اداری منصوب می‌کرد. در واقع، آنها در شمار کارمندان شرکت نفت به حساب می‌آمدند. بر همین اساس، در سال ۱۳۲۹ش/۱۹۵۰م تعداد کارمندان ارشد ایرانی، ۴۵۴۵ نفر و ایرانیانی که در لایه‌های مدیریت و کارمند ارشد شرکت بودند، ۲۹۱۰ نفر گزارش

شده است. به نظر می‌رسد که استفاده از متخصصان ایرانی در کارهای اداری، برای عدم استفاده از آنها در تخصص‌های فنی به جهت وابستگی و اتکای تولید نفت به متخصصان خارجی باشد. این موضوع، بعد از خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران، به‌وضوح دیده شد (آوری، ۱۳۸۸: ۲۵۷).

در ساختار اداری شرکت نفت، کارمندان نیز مانند کارگران دارای سلسله‌مراتبی بودند. کارمندان به‌طور کلی، به دو دسته بلندپایه (سینیور استف<sup>۱</sup>) و دون‌پایه (جونیور استف<sup>۲</sup>) تقسیم می‌شدند (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۱۶). از نظر ساعات کار، کارمندان به‌طور متوسط، روزی ۸ ساعت، هفته‌ای ۴۴/۵ ساعت در زمستان، و ۴۵ ساعت در تابستان کار می‌کردند و کاملاً در محدوده‌ای قرار داشت که قانون کار سال ۱۳۲۵ ش/۱۹۴۶م معین کرده بود (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۲۰۸). از نظر حقوق و مزایا، شرکت نفت، حقوق کارمندان را نسبت به کارگران در سطح بالاتری نگه داشته بود. همچنین، کارمندان ایرانی شرکت نفت به آینده خود اطمینان بیشتری داشتند. شرکت نفت همچنین، اجناس را به قیمت ارزان به کارمندان می‌فروخت و تقریباً مهم‌ترین وسایل زندگی کارمندان به قیمت مناسب در انبارهای شرکت یافت می‌شد؛ به‌طور نمونه، شرکت نفت برای ازدیاد محصولاتی که به مصرف تغذیه کارمندان خود می‌رساند، تعداد بسیاری تراکتورهای مخصوص کشاورزی را وارد کرده و به‌کار گرفته بود. این تراکتورها زمین‌های غیرمناسب را برای کشت و زرع آماده می‌نمودند و بر مقدار محصولات می‌افزودند (خبرهای روز، سال ۱۳۲۹، شماره ۱۱۸۱: ۴؛ نراقی، ۱۳۳۷: ۲۸). در فروشگاه‌های شرکت، اقلامی از کالاها بود که تنها طبقه فرادست (سینیور استف)، حق خرید آن را داشت. طبقه فرودست (جونیور استف)، حق استفاده از اتوبوس‌هایی را نداشت که برای طبقه فرادست اختصاص یافته بود. منازل، رستوران‌ها، سینماها و باشگاه‌های این دو طبقه، کاملاً از یکدیگر تفکیک شده بود (موحد، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۵). مرخصی کارمندان فرادست، ۴۵ روز در سال بود و هزینه‌های سفر آنها و اعضای خانواده‌شان از طرف شرکت نفت پرداخت می‌شد؛ در حالی که مرخصی سالیانه کارمندان فرودست، ۲۱ روز در سال بود. این امر، حتی پس از ملی شدن صنعت نفت هم برای ایرانیانی که دارای مدرک مشابه از دانشگاه‌های آمریکایی بودند، دیده می‌شد و کارکنان

۱. Senioe staff.

۲. Junior staff.

آمریکایی پالایشگاه، بیشتر از همتایان ایرانی خود دستمزد دریافت می‌کردند (۱۶۰: simpson, ۱۹۸۸). بنابراین، سیاست شرکت نفت در سال‌های قبل و تا حدودی سال‌های بعد از ملی شدن نفت، بر اساس اولویت قراردادن خارجی‌ها بر ایرانیان بود.

### ساختار نیروی انسانی خارجی شاغل در صنعت نفت ایران در مناطق نفت‌خیز خوزستان

در آغاز فعالیت‌های شرکت نفت در خوزستان، با توجه به فقدان متخصصان علمی و کارگران ماهر ایرانی در زمینه حفاری، اکتشاف و بهره‌برداری از میادین نفتی و با توجه به این اصل که صاحب امتیاز نفت، یک انگلیسی بود، طبیعی بود که متخصصان، مهندسان حفاری و کارشناسان فنی، از انگلیس و برخی از کشورهای اروپایی استخدام شوند. این افراد، جزء کارکنان درجه یک شرکت نفت به شمار می‌رفتند. علاوه بر اینها، با توجه به اینکه در آن زمان هندوستان مستعمره انگلیس محسوب می‌شد، تعداد بسیاری هندی نیز توسط انگلیسی‌ها مجبور به مهاجرت به ایران جهت کار در حوزه‌های نفتی خوزستان شدند. با توسعه و گسترش حوزه‌های نفتی، شرکت نفت به منظور کار در این حوزه‌ها، نیاز به نیروی کار بیشتری پیدا کرد. از این رو، برای تأمین نیروی کار جدید به دیگر کشورهای آسیایی مانند: پاکستان، عراق، فلسطین و برمه متوسل شد و از این کشورها نیروی کار مورد نیاز خود را تأمین نمود.

### الف. نیروهای فراملیتی انگلیسی شاغل در شرکت نفت انگلیس و ایران

در سال‌های اولیه شروع فعالیت‌های اکتشافی در میدان نفتون مسجد سلیمان، تعداد نیروهای شاغل خارجی در این حوزه که غالباً انگلیسی بودند، شامل ده تا دوازده نفر می‌شد که تعداد معدودی از آنها، متخصص حفاری، آهنگری و مکانیکی، تعدادی نیز وظایف خدماتی از جمله: حسابداری، حمل و نقل و پزشکی را عهده‌دار بودند. با فوران نفت در این منطقه، نیروی کار از خارج و داخل، روانه این منطقه نفت‌خیز شدند؛ به طوری که به گفته روزنامه تایمز، هزاران نفر انگلیسی و آمریکایی در این منطقه و پیرامون آن کار می‌کردند (کسروی، ۱۳۸۹: ۲۴۱)؛ با این تفاوت که درصد نیروهای انگلیسی شاغل در شرکت نفت نسبت به تمام نیروهای خارجی، بیشتر بود. بنابراین، تا مدت‌ها، کلیه کارکنان فنی، اداری و

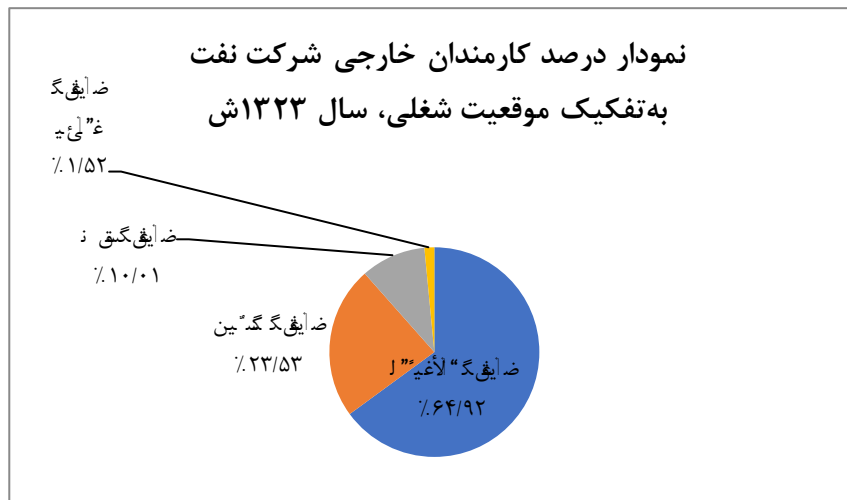
بازرگانی شرکت انگلیسی بودند؛ حتی مشاغل ساده و غیرفنی مانند: ماشین‌نویسی، متصدی انبار و اثاثیه، تعمیرات منازل، تقسیم خواروبار و غیره که افراد معمولی و عادی ایرانی نیز می‌توانستند انجام دهند، در دست اتباع انگلیسی و هندی بود (سیاست شرق، ۱۳۲۸، شماره ۵: ۱-۲). در واقع، در تمام دوره امتیازنامه داری، سیاست شرکت مبتنی بر این بود که کارکنان ارشد و کاردanan فنی خود را فقط از میان انگلیسی‌ها و هندی‌ها استخدام کند. مطابق آمار سال ۱۲۸۹ش/۱۹۱۰م، تعداد کارکنان اروپایی که غالباً انگلیسی بودند، ۸۰ نفر، در سال ۱۲۹۰ش/۱۹۱۱م، ۱۱۲ نفر، در سال ۱۲۹۱ش/۱۹۱۲م، ۸۷ نفر و در سال ۱۲۹۳ش/۱۹۱۴م، ۱۲۸ نفر گزارش شده است. آمار کارکنان شرکت نفت از سال ۱۲۹۸ش/۱۹۱۹م تا پایان فعالیت‌های شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م، به صورت تفکیکی می‌باشد؛ به طور نمونه، در سال ۱۲۹۸ش/۱۹۱۹م، تعداد انگلیسی‌های شاغل در آبادان و حوزه‌های نفتی، ۱۱۷ نفر و در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م، ۹۳۹ نفر گزارش شده است. در سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، تعداد کارمندان انگلیسی شرکت نفت، ۱۰۴۷ نفر گزارش شده است (وزیری، ۱۳۸۰: ۲۲۸).

در سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م، تعداد کارگران ماهر خارجی، ۴۱۲ نفر و خدمتکاران خارجی، ۲۶۸ نفر، کارمندان ارشد خارجی، ۳۷۹ نفر و مدیران و کارمندان ارشد خارجی، ۷۴۰ نفر گزارش شده است. در این سال، نسبت درصد خارجی‌ان در مقایسه با مجموع کارکنان شرکت، ۱۰/۷ درصد بود. در سال ۱۳۱۷ش/۱۹۳۸م، تعداد انگلیسی‌های شاغل در شرکت نفت، ۱۵۲۴ نفر گزارش شده است. سال‌های بحران قبل از جنگ جهانی دوم و دوران اتکای شدید دولت انگلستان به نفت ایران، برای ایرانیان، به‌ویژه ایرانیان شاغل در صنعت نفت، مزیتی به همراه آورد و انگلیسی‌ها را واداشت تا با انتقال بخشی از کارکنان انگلیسی صنعت نفت به انگلستان، ناگزیر خلاً ناشی از آن را با نیروهای ایرانی پُر کنند. بنابراین، طی چهارسال کارکنان خارجی شاغل در شرکت نفت، از ۱۴/۸۴ درصد کل کارکنان در سال ۱۳۱۵ش/۱۹۳۶م، به ۱۲/۶۹ درصد در سال ۱۳۱۸ش/۱۹۳۹م کاهش یافت؛ هرچند با شروع جنگ و در طول آن، انگلیسی‌ها به قصد دور ماندن از عرصه جنگ اروپا تلاش کردند تا خود را به مناطق امن بی‌طرف برسانند و از جبهه جنگ فاصله بگیرند و به همین منظور، از سال ۱۳۱۸ش/۱۹۳۹م به تدریج تعداد کارکنان خارجی در ایران افزایش یافت (طرفی، ۱۳۸۳: ۲۵۳-۲۵۴).

## ۲۸۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۹

در سال ۱۳۲۳ ش/۱۹۴۴ م، مطابق گزارش شرکت نفت به وزارت دارایی، تعداد کارمندان خارجی، ۲۱۶۷ نفر و بدین ترتیب، گزارش شده است: کارمندان بالامرتبه، ۱۴۰۷ نفر (۶۴/۹۲ درصد)؛ کارمندان دفتری، ۵۱۰ نفر (۲۳/۵۳ درصد)؛ کارمندان فنی، ۲۱۷ نفر (۱۰/۰۱ درصد)؛ کارمندان مباشر، ۳۳ نفر (۱/۵۲ درصد). علاوه بر آن، کارگران افزارمند در این سند، ۱۴۳۲ نفر ذکر شده‌اند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۱۶۳/۲۴۰). بر این اساس، نمودار درصدی کارمندان انگلیسی به ترتیب ذیل است:



ماخذ: نگارنده

از مقایسه این نمودار با نمودار مشابه کارمندان ایرانی، مشخص شد که خارجیان در پست‌های کارمندان بالامرتبه، نسبت به هم‌تایان ایرانی خود برتری داشتند و در مقابل، نسبت کارمندان دفتری ایرانی به خارجی، تقریباً دو برابر بوده و حاکی از این است که تحصیل‌کردگان ایرانی، بیشتر برای مشاغل دفتری استخدام می‌شدند. به‌طورکلی، در فاصله سال‌های ۱۳۱۶ ش تا ۱۳۲۶ ش/۱۹۴۷ تا ۱۹۳۷ م، استخدام کارمندان خارجی دو برابر شد. به هنگام خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۳۳۰ ش/۱۹۵۱ م، تعداد نیروهای انگلیسی شاغل در شرکت نفت، ۲۷۴۳ نفر و در گزارش دیگر، ۳۳۰۰ نفر بیان شده بود که نزدیک به ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر آنان کارهای با مسئولیت داشتند؛ ولی بقیه در واقع،



کارگران انگلیسی بودند که تحت عناوین مختلف به کارهایی که تخصص زیاد لازم نداشت، مشغول بودند. به استثنای تعداد محدودی ایرانی، همه انگلیسی‌ها از کارمندان بلندمرتبه (سنیور استف) به شمار می‌رفتند. بر اتوبوس‌های مخصوص آنها روی نواری قرمز به خط درشت روشن نوشته شده بود: ONIY SENiOR Staff (فقط کارمندان بلندپایه) (کامشاد، ۱۳۸۸: ۸۸). شرایط استخدام برای انگلیسی‌ها در هیچ زمانی قابل تغییر نبود؛ یعنی تمام انگلیسی‌ها کارمندان درجه اول شرکت محسوب می‌شدند. از نظر حقوق و مرخصی و سایر مزایا، بر ایرانیان برتری داشتند (رستاخیز خوزستان، ۱۳۲۶، شماره ۱: ۱؛ سیاست شرق، ۱۳۲۸، شماره ۵: ۱-۲). در زمینه حقوق و مزایا، باید افزود در حالی که حقوق سالیانه کارکنان خارجی بین سال‌های ۱۳۱۸ش تا ۱۳۲۴ش/۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵م، از ۱۷۴۴ به ۲۴۷۸ پوند افزایش یافته بود، حقوق سالیانه کارکنان ایرانی، از ۱۴۹۶ به ۱۴۷۹ پوند کاهش پیدا کرد.

#### **ب. نیروهای فراملیتی غیرانگلیسی شاغل در شرکت نفت انگلیس و ایران**

از میان نیروهای استخدام شده توسط شرکت نفت، هندی‌ها از آغاز تا ملی شدن صنعت نفت، بیشترین تعداد نفرات را نسبت به سایر نیروهای خارجی داشتند. دلایل کثرت نیروهای هندی در شرکت نفت را باید در عواملی همچون پیشینه تاریخی استعمار انگلیس در هندوستان یافت. در واقع، علت حقیقی استخدام نیروهای هندی این بود که کارکنان هندی افرادی مطیع بودند و دستورها را بهتر از دیگران اجرا می‌کردند و اگر هم اعتراضی به طرز استخدام خود می‌کردند، به سهولت به خدمت آنها خاتمه می‌دادند و آنان را روانه هندوستان می‌کردند. این چنین رفتاری با هندی‌ها، در جریان اعتصاب کارگری سال ۱۲۹۹ش/۱۹۲۰م روی داد.

بالتر از همه، مدیران شرکت عقیده داشتند که استخدام از چند ملت مختلف، اختلافاتی را بین کارکنان شرکت ایجاد می‌کرد که به صرفه و صلاح شرکت بود (فاتح، ۱۳۳۴: ۴۲۸). در واقع، استخدام از ملیت‌های مختلف، مانع وحدت نیروها و شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری و اعتصابات می‌گردید؛ به طوری که در سال ۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م و ۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م، حدود ۳۰ نفر از اتباع هندی انگلیسی در حوزه‌های نفتی خوزستان اشتغال داشتند. در سال ۱۲۸۹ش/۱۹۱۰م، این رقم به ۳۶۸ نفر افزایش یافت. در سال ۱۲۹۱ش/۱۹۱۲م، حدود

## ۲۸۲ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۹

۱۰۶۷ نفر از هندی‌های تبعه انگلیس، در استخدام شرکت نفت بودند. در گزارشی دیگر، تعداد کارکنان هندی در سال ۱۲۹۲ ش/۱۹۱۳ م، ۱۸۳۴ نفر اعلام شده است. با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۳ ش/۱۹۱۴ م، شمار نیروهای هندی و متفرقه شاغل در شرکت نفت، به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. در این سال، تعداد نیروهای هندی، ۲۱۴۸ نفر گزارش شده است (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۹۴؛ فلور، ۱۳۷۱: ۶۲). این افزایش نیروهای خارجی، حاکی از آن بود که شرکت نفت هیچ‌گونه توجهی به اعتراضات مجلس و دولت ایران مبنی بر عدم استخدام نیروهای خارجی نداشت.

با پایان یافتن جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۷ ش/۱۹۱۸ م، تعداد نیروهای هندی شاغل در شرکت نفت، نه تنها کاهش نیافت، بلکه سیر صعودی نیز پیمود؛ به طوری که در سال ۱۲۹۸ ش/۱۹۱۹ م، تعداد کارکنان هندی در حوزه‌های نفتی و آبادان، ۲۶۴۱ نفر و تا سال ۱۳۰۴ ش/۱۹۲۵ م، همچنان رو به افزایش بود؛ چنان‌که در این سال، تعداد نیروهای هندی، ۴۶۳۵ نفر گزارش شده است. از این سال به بعد تا ملی شدن صنعت نفت، تعداد نیروهای هندی همچنان در نوسان بود؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۱۵ ش/۱۹۳۶ م، ۷۷۹ نفر و در سال ۱۳۲۴ ش/۱۹۴۵ م، ۲۷۸۴ نفر و در سال ۱۳۳۰ ش/۱۹۵۱ م، ۱۶۴۲ نفر گزارش شده است (آوری، ۱۳۸۸: ۲۵۵ - ۲۵۷). در گزارشی دیگر، تعداد نیروهای هندی و پاکستانی شاغل در مناطق نفت‌خیز در سال ۱۳۳۰ ش/۱۹۵۱ م، ۱۲۰۰ نفر ذکر شده است که از این تعداد، ۹۰۰ نفر کارگر و نزدیک به ۳۰۰ نفر کارمند بودند.

علاوه بر نیروهای هندی و نیروهای پاکستانی، عراقی‌ها، ترک‌ها، فلسطینی‌ها، رانگونی‌های برمه، چینی‌ها، یونانی‌ها و پرتغالی‌ها نیز موسوم به نیروهای متفرقه در مناطق نفت‌خیز خوزستان استخدام شده بودند. در گزارشی، تعداد کارکنان متفرقه شاغل در صنعت نفت در سال ۱۲۸۹ ش/۱۹۱۰ م، ۲۹۲ نفر و در سال ۱۲۹۲ ش/۱۹۱۳ م، ۳۵۰ نفر اعلام شده است. با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۳ ش/۱۹۱۴ م، شمار این نیروها افزایش یافت. در این سال، تعداد نیروهای متفرقه را ۷۵۰ نفر گزارش کرده‌اند. در سال ۱۲۹۸ ش/۱۹۱۹ م، تعداد آنها ۴۷ نفر و در سال ۱۳۰۴ ش/۱۹۲۵ م، ۴۵۹۶ نفر و در سال ۱۳۰۹ ش/۱۹۳۰ م، ۷۵۴۹ نفر گزارش شده است. از سال ۱۳۰۹ ش/۱۹۳۰ م تا ملی شدن صنعت نفت، نیروهای متفرقه در حوزه‌های نفتی همچنان رو به کاهش نهاد؛ به طوری که با ملی شدن صنعت نفت، آمار این نیروها به صفر رسید. از میان نیروهای متفرقه شاغل در

شرکت نفت که تعداد آنان نسبت به سایر نیروهای متفرقه بیشتر بود، عراقی‌ها بودند. استخدام نیروهای خارجی، به ویژه عراقی، اعتراض دولت ایران را در پی داشت. در گزارشی، آقای نصرالله جهانگیر، رئیس اداره امتیازات و نفت، از شرکت نفت خواسته بود که کارگران عراقی را که قرارداد اقامت آنها با شرکت نفت به اتمام رسید، به کار نگیرد. این در صورتی بود که عراقی‌ها دارای هیچ تخصصی نبوده و سوابق آنان نیز مجهول بود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۳۱۱۹/۲۴۰). بر اساس این گزارش و مطابق قرارداد ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م و طرح تقلیل مستخدمان خارجی، همه کارکنان عراقی از کار در شرکت نفت برکنار شدند.

از دیگر نیروهای متفرقه، رانگونی‌های کشورهای برمه بودند. یک گزارش، حاکی از آن است که از تعداد کارگران فنی که به آبادان آورده شدند، برخی از آنها برمه‌ای و برخی دیگر هندی بودند. برخی، اقدام شرکت را در استخدام نیروهای خارجی توجیه کرده‌اند و اظهار داشته‌اند با توجه به فقدان کارگر ماهر در آبادان، این اقدام قابل قبول بود که کارگران صنعتی آموزش‌دیده رانگونی به ایران منتقل شوند. این کارگران صنعتی، شامل مردان آموزش‌دیده مورد نیاز شرکت بودند (Lockhart, ۱۹۳۸: ۱/۱۷۲). در سال ۱۲۹۰ش/۱۹۱۱م، تعداد چینی‌های شاغل در آبادان نیز ۲۰ نفر گزارش شده است.

## نتیجه

ساختار نیروهای شاغل در صنعت نفت ایران، از آغاز تا ملی شدن صنعت نفت، به صورت یکسان و یکنواخت نبود. این ساختار که در آغاز کشف نفت، شکلی ساده و بی پیرایه داشت، به موازات توسعه میادین نفتی جدید و جذب و استخدام نیروی کار در این میادین و برپایی پالایشگاه عظیم آبادان، دستخوش تغییراتی گردید و به صورت قانونمند، شکل هرمی به خود گرفت. در رأس این هرم، مدیران ارشد انگلیسی قرار داشتند. این مدیران، مرجع بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در امور شرکت نفت و مسائل منطقه‌ای و حوزه‌های نفتی بودند. جایگاه این مدیران از آغاز تا ملی شدن صنعت نفت، هیچ‌گونه تغییری نکرد و همچنان رأس هرم را در اختیار داشتند و از نظر حقوق و مزایا و برخورداری از امکانات رفاهی شرکت نیز با هیچ طبقه‌ای قابل مقایسه نبودند. در مرتبه بعد این ساختار، مدیران رده میانی و رده پایینی قرار داشتند که ترکیبی از نیروهای انگلیسی و ایرانی بودند و در واقع، طبقه اول این هرم را تشکیل می‌دادند. این طبقه نیز از مزایا و امکانات رفاهی ویژه‌ای برخوردار بودند. در مرتبه بعد از این طبقه، کارمندان بودند که در طبقه دوم جای داشتند و از نظر جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، به «کارکنان یقه سفید» معروف بودند.

در ساختار اداری شرکت نفت، کارمندان دارای سلسله‌مراتبی بودند و به‌طور کلی، به دو دسته بلندپایه (سینیور استف) و دون پایه (جونیور استف) تقسیم می‌شدند. در این سلسله‌مراتب، کارمندان دون پایه غالباً ایرانی بودند و جایگاه آنان یک مرحله بالاتر از مرحله کارگری بود. در قاعده این هرم، کارگران ایرانی قرار داشتند و «طبقه سوم» را تشکیل می‌دادند و از پایین به بالا شامل سه لایه: کولی (کارگر ساده)، تندیل و فورمن می‌شدند. این طبقه نیز به «کارگران یقه‌آبی» معروف بودند. این طبقه در مقایسه با سایر کارکنان شرکت نفت، از حقوق و مزایای کمتری برخوردار بودند و مشکلات بیشتری داشتند.

نسبت کارکنان خارجی به ایرانیان، به مراتب کمتر بود؛ اما خارجیان، از مزایای بیشتری برخوردار بودند؛ به طوری که در آستانه ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ش، از ۳۳۰۰ نفر کارمندان شرکت، ۱۲۰۰ نفر یا به عبارت بهتر، ۳۶/۳۶ درصد را کارکنان هندی و پاکستانی و مابقی مشتمل بر ۲۱۰۰ نفر یا ۶۴/۶۴ درصد را ایرانیان تشکیل می‌دادند. این اختلاف، به منزله در دسترس بودن کارکنان ایرانی برای شرکت بود. با ملی شدن صنعت

نفت در سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م، تعداد کارگران ایرانی تأسیسات نفتی در مناطق نفت‌خیز خوزستان، افزون بر ۷۵ هزار نفر بودند؛ درحالی‌که در همین سال، تعداد کارمندان ایرانی و نیز کارکنان خارجی، به مراتب کمتر بودند. در سلسله‌مراتب شرکت نفت در صورت فراهم بودن شرایط، تحرک اجتماعی محدودی وجود داشت. کارگران زمانی می‌توانستند از طبقه خود به طبقه کارمندی ارتقا یابند که کلیه مؤلفه‌های مورد تأیید شرکت از جمله گرفتن دیپلم و یا تأیید پزشک شرکت را کسب کرده باشند. بدین ترتیب، کارکنان شرکت بر اساس همین ساختار طبقه‌بندی شده، از همدیگر فاصله گرفتند و از حقوق و مزایای متفاوتی برخوردار شدند. کارکنان ایرانی با برپایی اعتصابات سعی داشتند این تبعیض‌ها و فاصله‌ها را کم کنند؛ اما اختلافات تا ملی شدن صنعت نفت، همچنان پابرجای بود و ملی شدن صنعت نفت، به بسیاری از این شکاف‌ها و تبعیض‌ها پایان داد.

## منابع

### الف. اسناد

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۸۰۲۸/۲۳۰.
۲. —، سند شماره ۸۱۵۳/۲۴۰.
۳. —، سند شماره ۱۶۳/۲۴۰.
۴. —، سند شماره ۴۴۲۹/۲۴۰.
۵. —، سند شماره ۵۸۷۹/۲۹۳.
۶. —، سند شماره ۶۹۶۷/۲۴۰.
۷. —، سند شماره ۳۱۱۹/۲۴۰.

### ب. کتاب‌ها

۱. آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۰)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی و لیلایی، تهران: نشر نی، چاپ ششم.
۲. آپتون. ام. جوزف (۱۳۶۱)، نگرشی بر تاریخ ایران نوین، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارات نیلوفر، چاپ دوم.
۳. آوری، پیتر (۱۳۸۸)، تاریخ ایران دوره پهلوی (از رضاشاه تا انقلاب اسلامی)، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، دفتر دوم از جلد هفتم، تهران: انتشارات جامی، چاپ اول.
۴. اتابکی، تورج (۱۳۹۱)، «صنعت نفت و برآمدن کارگر در ایران»، گفت‌وگو، شماره ۶۰: ۱۰۷-۱۲۵.
۵. استرانک، ویلیام تئودور (۱۳۸۷)، حکومت شیخ خزعل بن جابر و سرکوب شیخ‌نشین خوزستان، ترجمه: صفاء‌الدین تبرائیان، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم.
۶. افشین، کاظم (۱۳۳۳)، نفت و خوزستانیان، تهران: شرکت چاپخانه فردوسی.
۷. انصاری، مصطفی (۱۳۸۴)، تاریخ خوزستان ۱۸۷۸-۱۹۲۵ م دوره خاندان کعب و شیخ خزعل، ترجمه: محمد جواهرکلام، تهران: انتشارات شادگان، چاپ دوم.
۸. ایوانف، م. س (۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران، ترجمه: هوشنگ تیزابی و حسین

- قائم‌پناه، تهران: انتشارات طوفان.
۹. رائین، اسماعیل (۱۳۵۸)، اسرار خانه سدان. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. روحانی، فؤاد (۱۳۵۳)، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ دوم.
۱۱. ساتن، ال (۱۳۷۴)، نفت ایران، ترجمه: رضا رئیس طوسی، تهران: انتشارات صابرین.
۱۲. طرفی، علی (۱۳۸۳)، مدیران صنعت نفت ایران، ج اول، ناشر: مؤلف، چاپ دوم.
۱۳. (۱۳۸۶)، آموزش و فن‌آموزی در صنعت نفت ایران از آغاز تا کنون، ناشر: مؤلف، چاپ اول.
۱۴. عیسوی، چارلز فلیپ (۱۳۸۸)، تاریخ اقتصادی ایران: عصر قاجار (۱۲۱۵-۱۳۳۲ق)، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارات گسترده، چاپ سوم.
۱۵. فاتح، مصطفی (۱۳۳۴)، پنجاه سال نفت، تهران: انتشارات کاوه.
۱۶. فلور، ویلم (۱۳۷۱)، اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران (۱۹۴۱-۱۹۰۰م)، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
۱۷. کامبخش، عبدالصمد (۱۳۵۸)، شمه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری ایران، بی‌جا: انتشارات حزب توده ایران.
۱۸. کامشاد، حسن (۱۳۸۸)، حدیث نفس، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
۱۹. کسروی، احمد (۱۳۸۹)، تاریخ پانصدساله خوزستان، تهران: انتشارات دنیای کتاب، چاپ سوم.
۲۰. کیبل، جیمز (۱۳۷۷)، طرح سری مداخله در آبادان، ترجمه: جمشید زنگنه، تهران: انتشارات روزبه.
۲۱. گرانتوسکی، و. (۱۳۵۹)، تاریخ ایران از ابتدا تا عصر حاضر، ترجمه: کیخسرو کشاورزی، تهران: انتشارات پویش.
۲۲. لاجوردی، حبیب‌الله (۱۳۶۹)، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، ترجمه: ضیاء صدقی، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
۲۳. لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی آبادان، تهران: انتشارات کیان مهر، چاپ دوم.

## ۲۸۸ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۹

۲۴. معتقدی، ربابه و دیگران (۱۳۹۲)، «صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت خیز جنوب ایران»، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲: ۱۲۱ - ۱۲۷.
۲۵. موحّد، محمدعلی (۱۳۸۷)، خواب آشفته نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، جلد اول، تهران: نشر کارنامه.
۲۶. نراقی، احسان (۱۳۳۷)، «مسائل اجتماعی مربوط به صنعت نفت در ایران (آبادان)»، تهران: ۲۶ فروردین، گزارش.
۲۷. وزیری، شاهرخ (۱۳۸۰)، نفت و قدرت در ایران: از قنات تا لوله نفت، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: مؤسسه انتشارات عطایی، چاپ اول.
۲۸. ویلسن، آرنولد (۱۳۶۳)، سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی اقتصادی جنوب غربی ایران، ترجمه: حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات وحید، چاپ دوم.
۲۹. simpson, Hohn (۱۹۸۸). Behind Iranian Lines. London: Robson Books Ltd.
۳۰. Lokhart, Lawrence (۱۹۳۸). The Record of the Angelo-iranian oil co. LTD (۱۹۰۱-۱۹۱۰), London: Britannic House . Vol ۱.

### ج. مطبوعات

۱. اخبار هفته، ۱۳۲۷/۳/۷، ش ۸۱، چاپ آبادان.
۲. خبرهای روز، ۱۳۲۹، ش ۱۱۸۱، چاپ آبادان.
۳. سیاست شرق، ۱۳۲۸/۴/۳۰، ش ۵.
۴. رستاخیز خوزستان، ۱۳۲۶/۲/۱۲، ش ۱.